



بررسی تطبیقی کاشیکاری مسجد کبود تبریز و گنبد سلطانیه زنجان

1-شکوفه یعقوبی نیا

*دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، sh.y.niaart@gmail.com

چکیده

هرچند معماری این سرزمین تاریخی چند هزار ساله را پشت سر دارد اما تلاش هایی که به جهت شناسایی و معرفی آثار به جا مانده ی آن تاکنون صورت گرفته سابقه ای چندان طولانی ای ندارد. تنها از چند دهه ی پیش بود که محققان و پژوهشگران به بازنگری این آثار هنری پرداخته و کوشیدند گرد و غبار قرون را از چهره ی این گوهرهای تابناک بزدایند و تالو چشم نواز آنها را دوباره آشکار نمایند.

از عوامل مؤثر در شکوه و زیبایی معماری ایران به ویژه در دوران اسلامی می توان به تزیین بناها اشاره کرد. در این میان، مسجد کبود تبریز و گنبد سلطانیه زنجان از شاهکارهای معماری دوره ی ایلخانیان و دوره ی قراقویونلوها در شهر تبریز و زنجان هستند. بررسی، مطالعه و مقایسه در تکنیک کاشیکاری این بناها می تواند باعث بازشناسی هویت فرهنگی و هنریشان شود. مقاله حاضر با رویکرد تاریخی_تطبیقی و با استفاده از روش تحلیلی_توصیفی و انجام تحقیقات کتابخانه ای و میدانی به ارزیابی و مقایسه تطبیقی کاشیکاری دو بنای شاخص معماری دوره ی ایلخانی و قراقویونلوها پرداخته شده است و بر این فرضیه استوار است که میان مضامین، محتوا، تزیینات و تکنیک های کاشیکاری شباهت ها و همچنین آمار کمی تفاوت وجود دارد.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، کاشیکاری، ایلخانیان، قراقویونلوها، مسجد کبود تبریز، گنبد سلطانیه زنجان



مقدمه

این نوشتار، از نظر کاشیکاری معماری، یکی از آثار فاخر میراث معماری ایرانی، مسجد کبود تبریز و گنبد سلطانیه زنجان، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. لذا در پیشینه معماری مسجد ایرانی، اندیشه ی به کاررفته در آفرینش معماری مسجد کبود تبریز، همچون تک ستاره ای است که برای یکبار درخشیده و سپس خاموش شده است و همچنین توسط ایلخانیان مغول، بناهای زیادی همانند محراب مسجد جامع اصفهان، مقبره چلبی اوغلو و... بنا گردید که هر کدام از آنها به تنهایی دارای ارزش فوق العاده و فراوانی است. اما به جرأت می توان گفت هیچکدام به پای گنبد سلطانیه نمی رسند. گنبدی که در دوران طلایی خود بینندگانش را به حیرت و شگفتی وا می داشت و اکنون نیز پس از گذشت قرنهای متعادی و تخریب فراوان آن، دورانی از شکوه و جلال را تداعی می کند و هر بیننده ای را به تحسین وا می دارد.

کاشی می تواند سلیق حامیان به وجود آورنده اش و هنر و هنرمندان زمانه اش را بازگو کند و حتی می-تواند نشان دهنده کارکرد ساختمانی باشد که دیوار هایش با این کاشیها مزین گشته است. آنچه قابل ذکر است نقوش کاشی کاری مسجد کبود تبریز و گنبد سلطانیه زنجان یکی از زمینه های تحقیقی در رابطه با این نوع تزیین در محدوده ی زمانی دوره ایلخانی و قراقویونلوها می باشد. مجموعه کاشی های بکار رفته در این فضاها دارای تنوع چشمگیر به لحاظ ابعاد، شکل، رنگ بندی و مضمون هستند. از مهمترین دلایل ضرورت انجام این مقاله، معرفی و دسته بندی این کاشی ها است که قبلاً پژوهش کمتری بر روی آن ها صورت پذیرفته است، بر همین اساس هدف این پژوهش، شناخت نوع کاشیهای به کار رفته، طبقه بندی و تکنیک های کاشیکاری و همچنین معرفی هنرمندان طراحی این کاشی ها می باشد.

روش تحقیق

روش جمع آوری اطلاعات به صورت مطالعات میدانی و کتابخانه ای و براساس منابع دست اول و مقالات، همچنین نمونه های موزه ای است و روش توصیفی-تحلیلی به مقایسه و دسته بندی تکنیک های کاشیکاری در مساجد دوران اسلامی در ایران می پردازد، تهیه شده است.

1-تاریخچه دوره ی قراقویونلوها

پس از مرگ تیمور، جانشینانش روز به روز ضعیفتر می شدند و در مجموع نبوغ و استعداد و درایت کافی را برای اداره کردن آن سرزمین پهناور نداشتند. از همه مهمتر اینکه برادر کشی و کشمکش، بخصوص پس از شاهرخ، در داخل خانواده تیمور درگرفت. پاشیدگی دولت تیموریان و عصیان های مکرر، زمینه را برای ظهور در دولت ترکمان قراقویونلو و آق قویونلو در مغرب ایران فراهم ساخت. اولین کس از خاندان قراقویونلو که در صحنه سیاسی قدرتی کسب کرد، بیرام خواجه بود. او در زمان سلطان اویس از پادشاهان آل جلایر مشهور شد. از این رو در دوره کوتاه حکومت قراقویونلوها، ثبات سیاسی کمتری وجود داشته و در چنین شرایطی اصولاً هنر و معماری مجالی برای پیشرفت و شکوفایی نمی یابد پس در یک چنین وضعیتی قراقویونلوها اثرات فرهنگی و هنری زمان تیموریان و عثمانیان را خصوصاً در معماری حفظ کردند و سبب انتقال این تجارب به نسل های بعدی شد. کارهای بدیعی که از این زمان در معماری به جای مانده ادامه سنت معماری تیموری و عثمانی بود که احتمالاً علت



آن علاقه شاهان قراقویونلو به هنر بوده است که سرودن شعر توسط برخی از شاهان دلیلی بر این ادعاست. از آثار تاریخی بسیار معروف این عصر می توان به گوی مسجد (مسجد کبود) تبریز اشاره کرد، به خصوص کاشیکاری مسجد کبود از بدایع آثار هنری ایران و در نوع خود کم نظیر است. (شهیدی، 1390، 62)

1-1 مسجد کبود تبریز

مسجد مظفریه، مشهور به مسجد کبود یا فیروزه اسلام مورخ 870 هجری قمری از آثار شاخص هنر معماری و کاشیکاری ایران است. (شکل 1) مسجد به علت پوشش کاشیکاری آبی رنگ به کبود شهرت یافته است. (ویلبر و گلمیک، 1374، 581) این بنا در اصل قسمتی از مجمعی به نام مظفریه بوده که به نام سازنده اش ابوالمظفر جهانشاه خوانده می شود. نقشه مسجد کبود با مسجد شاه مشهد که توسط احمدبن شمس الدین محمد، معمار تبریزی ساخته شده است، مقایسه می شود و بعضی بر آنند که همان معمار مسجد شاه مشهد مسجد کبود تبریز را طراحی کرده است (بلر و بلوم، 1385، 64) این مسجد احتمالاً چند منظوره بوده به ویژه که شامل قبر امیر قراقویونلو جهانشاه و اعضای خانواده او می باشد.

سردر مسجد پوشیده از کاشیکاری معرق آبی رنگ است. دیولافوا چنین می نویسد: «جبهه داخلی سردر مدخل مسجد با موزاییک و از کاشی معرق زیبا تزئین شده که اجزاء آن با تیشه تراشیده و با چنان ریزه کاری و دقتی پهلوی هم قرار داده شده اند که به نظر یکپارچه می آید. یک هماهنگی کامل میان رنگ های آبی، سبز، سفید، زرد، سیاه حکمفرما است که یکنواختی را از میان می برد. گنبدخانه کوچک مسجد با کاشی های شش ضلعی لاجوردی مزین به طلا پوشیده شده که بخش اعظم آن ها تخریب شده است. همچنین گنبدخانه مرکزی نیز پوشیده از کاشیکاری معرق با نقوش اسلیمی، هندسی و کتیبه است.» (گدار، 1341، 457)



شکل 1- مسجد کبود تبریز (نگارنده، 1390)



2- تاریخچه دوره ی ایلخانیان

سلسله ی ایلخانیان مغول که از سال 650/1251 تا 736/1335 طول کشید، دوره ای را در هنر ایران گشود که تأثیرات زیادی از هنر شرق دور، علی‌الخصوص هنر دوره ی سونگ و یوان چین گرفت. ایران در زمان فتوحات مغول، یک گذشته فرهنگ اسلامی بالغ بر پانصد ساله را از سرگذرانده بود که وقتی حکام جدید مغولی از دین بودائی به اسلام گرویدند، این فرهنگ اسلامی را جذب کردند. عناصر چینی فرهنگ مغولان و روابط سیاسی آنها با شرق دور، از طریق همیاری بنیادی شمایل نگاری، نگارگری، سفالگری و سایر هنرهای تزئینی این دوره که از شرق دور مایه گرفته بود، در هنرهای دوره ایلخانیان منعکس گردید. نخستین تهاجم اردوهای مغولی چنگیزخان در سال 20-616/1220 بخش‌های شمالی ایران را زیر سلطه مغولان درآورد. اوگتای جانشین چنگیزخان، فتح ایران را کامل کرد. لیکن تنها مرکز تشکیلاتی مغولان در خراسان مستقر شده بود؛ با آمدن هلاکو در سال 654/1256 حکومت واقعی مغولان در ایران شروع شد. قوریلتهای بزرگی که در سال 649/1251 تشکیل شد متصرفات مغولان را تقسیم کرد. از زمانی که حکام مغولی شروع به بازسازی ایران ویران شده کردند، از برخورد فرهنگهای مختلف حمایت نمودند و هنرمندان، هنرورزان (پیشه‌وران)، دانشمندان و نویسندگان سرزمینهای مختلف را به دربار خود جذب کردند. معماری ایلخانی از نظر زیبایی‌شناسی، سبک جدیدی در تاریخ معماری ایران به وجود نیآورد؛ این معماری را تا حدود زیادی می‌توان دنباله معماری سلجوقی دانست که پلانها و تکنیک‌های آن را به ارث برده بود. گنبد دو جداره که نخستین بار در معماری سلجوقی چهره نمود، در معماری دوره ی ایلخانی رواج زیادی پیدا کرد. از مقرنس‌ها بارها استفاده شده است. برای ساختن دیوارها از خشت استفاده می‌کردند و برای رویه بندی هم از آجر پخته بهره می‌گرفتند. طاقگانها و گنبدها را کاملاً با آجر پخته می‌ساختند که یکی از بناهای مهم دوره ی ایلخانی گنبد سلطانیه در شهر زنجان است. (آژند، 1376، 4-6)

2-1 گنبد سلطانیه

بنای گنبد سلطانیه در استان زنجان، شهرستان سلطانیه و در مختصات جغرافیایی ۳۶۲۶۱،۷۱N، ۴۸۴۷۴۴،۷۵E واقع شده است. گنبد سلطانیه در دوران حکومت سلطان محمد خدابنده (الجایتو) در مدت نه سال از سال 704 هجری قمری (آملی ۱۳۸۱، 257) و یا در 705 هجری قمری تا 713 هجری قمری احداث شده است (ویلبر، 1365، 151) و تنها بنایی است که از مجموعه سلطانیه باقی مانده است (ثبوتی، 1380، 52) تاکنون در هیچ جای بنا کتیبه یا نوشته ای دال بر معمار و سازنده و با هنرمندان سازنده آن بدست نیامده است. (حمزه لو، 1381، 61) (شکل 2) در خصوص عملکرد گنبد سلطانیه دو نظریه ارائه گردیده است: نظر نخست، مربوط به مورخین و جغرافیدانان متقدمی از جمله آملی مؤلف کتاب نفایس الفنون (آملی ۱۳۸۱، ج ۲، ۲۵۷-۲۵۸)، مستوفی مؤلف کتاب تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۶۲، 610) و میر خواند مؤلف روضه الصفا (میر خواند، ۱۳۸۵، ۴۲۶۳) است که بنای گنبد را آرامگاه محمد خدا بنده (الجایتو) معرفی نموده اند. نظریه دوم که از جانب محققینی چون ویلبر (ویلبر، ۱۳۶۵، ۱۸۵) پیکست (Pickett, 1997, 68) و اصغریان (اصغریان، 1355) ارائه شده مبنی بر انتساب و اختصاص بنا از طرف الجایتو به آرامگاه حضرت علی بن ابی طالب (ع) و حسین بن علی (ع) است. همچنین حمزولو وجود تغییرات در تزئینات گنبد سلطانیه را تنها یک تغییر سلیقه می‌داند (حمزه‌لو، ۱۳۸۱، ۸۲-۸۳).



در هر صورت این تغییر در ملاحظات سیاسی، مذهبی و یا حتی سلیقه ای موجب شده تزئینات بنا را به دو دوره تقسیم شود، دوره اول شامل تزئینات اصلی گنبد سلطانیه و دوره دوم شامل گچبری و نقاشی روی تزئینات لایه اول است که بر اساس آنچه که از روی هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه بر می آید حاکی از این است که هر دو دوره تزئیناتی، متعلق به زمان ایلخانان و همزمان با اولجایتو و ابوسعید صورت گرفته است. وجود تاریخ های ۷۱۰ هجری قمری در خارج از ۷۱۳ هجری قمری در داخل بنا و تکرار نام سلطان محمد اولجایتو و تزئینات لایه دوم گواهی بر این ادعا است. به دلیل وسعت بنا و گستردگی تزئینات کاشیکاری این بنای تاریخی، تزئینات مزبور هر بخش از ساختمان اعم از نمای بیرونی و داخلی به صورت مجزا شرح داده می شود.



شکل ۲- گنبد سلطانیه زنجان (نگارنده، ۱۳۹۰)

۳- تکنیک های تزئین کاشیکاری

هنر کاشیکاری ایران که در دوران اسلامی رونق بسزایی یافت بسیار قابل اهمیت است. پوشاندن حجمی مانند گنبد و مناره و یا طاق با کاشی، بدون محاسبه دقیق و پیش بینی های لازم عملی غیرممکن است، بدین جهت تعداد کاشیهای لازم جهت پوشاندن یک گنبد و نقوش روی آنها با دقت فوق العاده ای قبلاً پیش بینی و محاسبه می شده است. تکنیک های اصلی که در تزئین کاشی کاری استفاده می شد. زرین فام، نقاشی زیر لعاب، نقاشی روی لعاب- مینایی و لاجوردی، کاشی معرق، کاشی لعاب پران، معقلی و گره کشی، کاشی نره ای و کاشی هفت رنگ بوده که برخی برای استفاده داخلی، و خارج بنا به کار می رفته اند، همچنین کاشی در ایران اغلب به دو گونه وجود داشته یکی هفت رنگ و دیگری معرق بوده است که در اینجا به مهمترین و پراستفاده ترین تکنیکها در این مساجد اشاره شده است:



3-1 کاشی معرق

کاشیکاری معرق دارای خصوصیتی از جمله استفاده از کاشی تک رنگ در ساخت آن، تراش دادن کاشی و یکپارچه کردن قطعات کاشی است که در زیر به توضیح آنها پرداخته شده است.

(الف) رنگ کاشی = در کاشیکاری معرق هر واحد از کاشی قبل از تراش (کاشی خشتی یا کاشی نره) تک رنگ است به عبارتی از مجموع قطعات کاشی تک رنگ تراش خورده به رنگ های مختلف یک قاب کاشیکاری رنگین ساخته می-شود.

(ب) تراش دادن کاشی = در کاشیکاری معرق، کاشی با تیشه تراش داده می شود و قطعات تراش داده در کنار هم یک سطح تزئینی معرق را تشکیل می دهند، از این رو اسم دیگر این تکنیک کاشی تراش است.

(ج) یکپارچه کردن قطعات کاشی = قطعات کاشی معرق برای کنار هم قرار گیری و نصب مطابق با طرح های اصلی نیاز به سطحی دارند که کاشی تراش خورده روی آن چیده شود به این ترتیب قطعات شماره گذاری شده کاشی به صورت وارونه بر روی قالب قرار می گیرد و در پشت آنها ملات ریخته می شود برای استحکام و یکپارچه شدن قطعات کاشی، از ساز و در ملات استفاده می کنند، پس از گیرش ملات، قطعاتی از کاشی معرق در ابعاد بزرگ موسوم به پارچه برداشته و در محل مورد نظر گذاشته و در پشت آن ملات ریزی می شود، همچنین برای اتصال و دورگیری پارچه های کاشی با بدنه بنا از قطعه فلزی به نام کفگیرک استفاده می شود، بنابراین قطعات کاشی براساس طرح اصلی بر روی سطح قالب به صورت وارونه و ریختن ملات بر روی آن برای اتصال قطعات کاشی به یکدیگر را یکپارچه کردن قطعات کاشی یا تخمیر می گویند.

3-1-1 پیشینه کاشیکاری معرق در دوره ایلخانیان

کاربرد تزئینی آجر از ویژگی های شاخص معماری سلجوقی بود، در دوره ایلخانیان کاملاً متروک نشد، بلکه راه را برای کاربرد روز افزون سفالینه های لعابدار هموار ساخت. (شراتو و گروبه 1376، 15). در این دوره عناصر تزئینی همچون فنون مختلف کاشیکاری «معرق، زیر لعابی، زرین فام، لعاب پُران» گچبری و آجر کاری به شکل جداگانه و تلفیقی در بخش های مختلف ساختمانی مورد استفاده قرار گرفت. یکی از بناهایی که در برگیرنده مجموعه ای متنوع از کاشی معرق می باشد گنبد سلطانیه در زنجان است. از این رو گنبد سلطانیه، به سبب تکنیک هایی که به کار رفته در آن، برای ردیابی سیر تکوین کاشی معرق در سده 8 هجری میلادی از بناهای کلیدی به شمار می آید (بلر 1387، 88) و همینطور این بنا یکی از نخستین آثار معماری ایران است که به فراوانی از موزائیک های لعابی در آن استفاده شد. آرامگاه اولجایتو در سلطانیه است. در اینجا رنگ گزینی محدود به 4 رنگ آبی روشن، تیره و سیاه گشته است و در اصفهان اواسط قرن 8 هجری قمری رنگ سبز و قهوه ای روشن نیز بدانها افزوده شده است.

3-1-2 کاشیکاری معرق در دوره قراقویونلو

همزمان با حکومت تیموریان در شرق ایران، ترکمانا « قراقویونلو 782-873 هجری قمری» بر غرب ایران استیلا یافتند. (بلر و ام بلوم، 1385، 64) ترکمان در معماری و تزئینات ادامه دهنده شیوه تیموریان بودند و شاهکارهای بی همتایی از خود به یادگار گذاشتند. از جمله مسجد کبود که از عالیترین نمونه های کاشیکاری معرق در دوره اسلامی



به شمار می رود (عباسیان، 1370، 139) و همچنین سردر امامزاده درب امام اصفهان که یکی از زیباترین نمونه های معماری تزئینی ایران است. (پوپ، 1388، 203)

کاشی معرق در این دوره بیشتر برای پوشش ایوان، گنبد، مناره، سردر و ازاره کاربرد داشت و نقوش کاشی همچون دوره تیموری شامل نقوش اسلیمی و گردان بسیار پیچیده، گل و بته و شاخ و برگ انتزاعی، هنر خطاطی و نقوش هندسی بود. در این دوره رنگ ها هم لطیف تر و هم بهتر توزیع شده و رنگ آجر مستقیماً داخل تزئین کاشی شده و تزئینات مطبوع ترند. (گذار، 1341، 458) رنگ های رایج همانند دوران تیموری بیشتر شامل لاجوردی، فیروزه ای، سفید، مشکی، سبز، قهوه ای و زرد بودند.

2-3 لعاب پزان

از وسط نقش یک تکه لعاب را به اندازه یک عدسی می پراندند تا رنگ سفال زیرین نمایان شود.

3-3 کاشی معقلی

نقوش آن را از مصالحی مانند آجر و کاشی به صورت جداگانه و درهم می سازند و ترسیم آن معمولاً در جدول هایی ساده انجام پذیر است. تفاوت آن به دلیل کوچک بودن قطعات بیشتر از کاشی هفت رنگ است.

3-4 کاشی نره ای

در گنبد ها بیشتر استفاده می شود، تفاوت آن با کاشی معمولی در ضخامت گل است، ضخامت کاشی معمولی 2-5/1 سانتی متر است در حالی که ضخامت کاشی نره ای 4-5 سانتی متر یا بیشتر و طول آن سه برابر عرض ساخته می شود این کاشی مقاومت بیشتری دارد. در گنبد ها معمولاً از کاشی نره ای جسمی استفاده می کنند و اگر نقش روی گنبد معرق گل و بته ایی باشد، هنگام تراش دادن، کاشی را از روی لعاب دار به صورت مایل می تراشند تا ملات فواصل بین را پر کند و سطح یک پارچه شود.

3-5 گره کشی

کاشی هایی هستند که با طرح و نقش های مختلف با اشکال چند ضلعی های هندسی پهلوی یکدیگر قرار می گیرند و تشکیل نقش کلی را می دهند. علم گره کشی از حرکت شکل های مربع و مستطیل و لوزی و... به وجود می آید. گاه با اختلاط کاشی و آجر انواع گره را به وجود می آورند. در این سبک معمولاً زمینه آجری برجسته و نقش های کاشی تو گود هستند. اختلاط آجر و کاشی در گره کشی از قرن 7 متداول شد که گاه از کاشی معرق نیز استفاده می شد.

4- تکنیک های تزئین کاشیکاری مسجد کبود تبریز

سردر این مسجد در زمین مرتفعی بنا شده و در قسمت بالای آن قوس بیضی شکلی دیده می شود. در دو طرف آن ستون هایی متصل به بنا، به شکل مارپیچ بالا رفته و در قسمت بالایی، هلال بیضی شکلی تشکیل شده است. همه ی



این ستون ها از کاشی نفیس فیروزه ای رنگ زیبا با نقش و نگارهای خوش نما پوشیده شده است. سطوح داخلی رواق از کاشی های رنگارنگ مستور است؛ این کاشی ها به صورت قطعات کوچک بریده شده و با مهارت تمام چنان به هم متصل شده اند که گویی یک پارچه اند. در نقاشی و ترکیب رنگ ها به اندازه ای لطف و ظرافت به کار رفته که انسان، خود را در برابر تابلوی بسیار عالی پر از سبزه و گل می بیند. رنگ کبود زمینه، یکنواختی نقاشی ها را از بین برده، بدون اینکه ذره ای از زیبایی و لطف مجموع آن بکاهد. شاید به همین مناسبت به «مسجد کبود» مشهور شده است. این سبک کاشی کاری شایان مقابسه با ترکیبات هندسی خاص صنایع زمان سلجوقی و مغولی نیست و برتری و مزیت زیادی بر آن ها دارد. در کوتاهی از این سردر اصلی، به عبادتگاه باز می شود، عبادتگاه مرکب از دو تالار بزرگ است که از یکدیگر متمایز و هر دو سابقاً دارای گنبد بوده است. تالار اول با کاشی کاری رنگارنگ زینت یافته و تالار دوم که محراب در آن واقع شده است، با کاشی های هشت ضلعی کوچک تزیین شده است که رنگ مینایی لاجوردی آن ها به شاخ و برگ طلائی و زمینه عاج مانند کتیبه ها، جان می بخشد. کتیبه هایی به خط عربی نوشته شده که با شاخ، برگ و گل ها آمیخته است. (شکل 3) همچنین از ترکیب کاشی تراش و سفال نقشین و گره سازی با ترکیب آجر و کاشی در صورت های مختلف می توان در بنای مسجد کبود تبریز مشاهده نمود.



شکل 3- کاشی هشت ضلعی تالار دوم محراب مسجد کبود تبریز (نگارنده، 1390)

طاق جناغی در ورودی مسجد در وسط دیوار جنوبی صفه که دو متر از کوچه مقابل بلندتر است، تعبیه شده، در هر یک از دیوارهای شرقی و غربی، طاقچه ای باند با طراحی بدیع و کناره مارپیچی ظریف ساخته شده است. در نغول بالای طاقچه مقابل آیه شریفه «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدين» و در نغول بالای طاقچه غربی عبارت «قال الله تعالی ادخلوها بسلام آمنین» با خط کوفی تزیینی زیبا، کاشیکاری شده است.

انواع گوناگونی از اسلیمی و ترنج و ختایی، این مربع را احاطه کرده است، مربع بزرگی نیز از ترکیب ده ترنج بیضی گونه به وجود آمده است: «یا باعث یا وارث، یا مجیب یا قریب، یا نور یا مدبر یا فرد و یا مرسل یا مرشد، یا قدیم یا قدیر یا باری، یا رحیم، یا عزیز، یا خلاق یا وهاب، یا قدیر یا ستار، یا غافر، یا وتر یا سبوح یا بر، یا شافی یا کافی و یا باقی» در میان ترنج ها هشت مربع کوچک نیز طرح شده است که نوشته آن ها به خط کوفی و عبارت از این قبیل نام های مبارک باری تعالی است: «احد، خدا، مجید، ستار، باقی، حمید، صمد، نور، در بیرون از ردیف این مربع بزرگ نیز از چند ترنج و جند مربع موجود است که از ردیف این مربع نیز چند ترنج و چند مربع وجود دارد که نوشته های آن ها هم نام های خداست. در بخشی دیگر از مسجد طرح جالب تری نیز از چهار «الحمد لله» با خط کوفی دیده می



شود، یک مثنی و یک ستاره هشت پر نیز به طور متداخل در این مربع قرار دارد. این تزیین، شیوه تخمیری دارد و کاشی ها در میان آجرهای ساده قرار گرفته اند. نوشته چهار کاشی دیگر که هر یک در مقابل یکی از اضلاع مربع واقع شده است عبارت است از: «یا رفیع الدرجات، یا مجیب الدعوات، یا قاضی الحاجات، یا غافر السیئات.» (شکل 4)



شکل 4- کاشی معرق، مسجد کبود تبریز (نگارنده، 1390)

طرح دل انگیزی نیز با خط کوفی از عبارت «حسبی الله و نعم الوکیل» ساخته شده است، این طرح در وسط دو ترنج متداخل قرار گرفته، نوشته شکل مربع دارد، تزیین داخل ترنج عبارت از اسلیمی و ختایی چند گل و بوته است. (شکل 5) این کاشی دل انگیز نیز در وسط آجر معمولی جا داده شده و زیبایی شگرفی ایجاد کرده است. زیبایی و تزیینات این مسجد که انسان خوش ذوق را مبهوت و واله می سازد، یکی دو تا نیست، در گوشه شمال غربی این قسمت از مسجد خوشبختانه تابلویی کاملاً سالم قرار دارد و در وسط این تابلو مربعی از ترکیب چهار «سبحان الله» ایجاد شده است، شکل های هندسی گوناگون که در درون این مربع طراحی شده، به خوبی نمایانگر ذوق معماران و هنرمندان آن روزگار است. در دو تالا با شبستان شرقی و غربی مسجد که در ضمن توصیف قسمت مرکزی به آن ها اشاره شد ازاره ی کاشی و تزیین تخمیری داشته است، اما اکنون اغلب از بین رفته و فقط نمونه هایی از آن ها باقی مانده است. (رضایی، 1382)



شکل 5- کاشی هفت رنگ (اسلیمی-ختایی)، کاشی معرق، مسجد کبود تبریز

5- تکنیک های تزئین کاشیکاری گنبد سلطانیه

1-5 کاشیکاری نمای بیرونی گنبد سلطانیه

امروزه تزئینات کاشیکاری در نمای بیرونی گنبد سلطانیه، در دو ورودی مسدود شده جوانب غربی و شرقی، نمای فوقانی طبقه دوم گنبد، در مقرنس ها، پشت بغل قوس ها، دو منار واقع در جوانب شمالی و جنوبی، که بخش اندکی از تزئینات کاشیکاری آنها باقی مانده و گنبد بنا، که امروزه به کلی بازسازی شده است، قابل مشاهده است. در ادامه هر بخشی به صورت مجزا شرح داده می شود. (شکل 6)



شکل 6- نمایی از گنبد و کتیبه های کوفی بنایی واقع در ساقه و نیم ترنج گنبد، همچنین نمایی زیرین: کاشی معرق، گنبد سلطانیه (شکری، 1394)

الف) تزئینات کاشیکاری ورودی شرقی: تزئینات کاشیکاری این جانب در پشت بغل طاقنمای ورودی مشاهده می شود که به غیر از تزئینات کتیبه ای پشت بغل طاق نماهای ورودی مابقی تزئینات کاشیکاری این جبهه دچار



ریختگی شده اند، تزئینات این ورودی شامل کتیبه ای به خط کوفی با آجر بدون لعاب بر زمینه کاشی فیروزه ای واقع در پشت بغل طاقنمای ورودی، حاوی واژگان و عبارات «محمد»، «علی»، «انا لا اله الا الله محمد رسول الله صادق علی ولی الله وصی رسول الله» و «فی سنه عشر» و تزئینات گره سازی با کاشی های فیروزه ای و لاجوردی، که در نوار پهن دور طاقنمای ورودی به کار رفته اند، می شود. همچنین بقایای تزیین مزبور را در نغول هایی که امروزه تنها قسمت تحتانی شان باقی مانده و مربوط به بنا و با سازه ای چسبیده به ورودی شرقی بوده می توان مشاهده کرد. براساس نقاشی مطراچی ممکن است، نغولهای ویران شده فوق الذکر در اصل بخشی از دیوارهای جانبی رواق و ایوان ورودی چسبیده به گنبد بوده است.

تزئینات اندک باقی مانده در این نغول ها و یا طاقچه ها از هر جهت هماهنگی با تزئینات جبهه شرقی گنبد دارد و احتمالاً رواق و ایوان مزبور از جانب ورودی شرقی به بنا متصل می شده است. لازم به ذکر است که تزئینات گره سازی ورودی جبهه شرقی به لحاظ ترکیب رنگ و طرح قابل مقایسه با تزئینات سر در ورودی مسجد جامع ورامین است.

ب) تزئینات کاشی کاری در جبهه غربی: تنها در پشت بغل طاق نمای ورودی قابل مشاهده است. در تزئینات این بخش نیز همانند جانب شرقی از تزئینات گره سازی به صورت برجسته در زمینه گچ استفاده شده و دارای رنگ های فیروزه ای و لاجوردی است. امروزه بخشی از تزئینات گره سازی پشت بغل طاق نمای ورودی ریخته و با گچ پوشانده اند.

ج) تزئینات کاشیکاری نمای بیرونی طبقه دوم و قرنیز: تزئینات کاشیکاری بخش های مزبور به لحاظ تکنیک اجرا شامل معرق و کاشی های نره، در رنگ های فیروزه ای و لاجوردی است. تکنیک معرق، در مقرنس قرنیز فوقانی، که اضلاع هشت گانه بنا را دور می زند مشاهده می شود و شامل کاشی هایی در اشکالی چون: گیوه، مربع، لوزی، ترنج، سه گوش تکه، شمسه ده پر، شش ضلعی منتظم در رنگ های فیروزه ای و لاجوردی است. امروزه این نوار مقرنس کاری شده، تنها در جوانب شمال غربی، شمالی به طور کامل باقی مانده است و در سایر جوانب یا به کلی از بین رفته و یا آثار ناچیزی از آن باقی مانده است. همچنین براساس بقایای اندکی که در سایر جوانب باقی مانده مشخص می شود که مقرنس های قرنیز هر یک از جوانب هشت گانه، اندکی در طرح و نوع گره هایشان با یکدیگر تفاوت داشته اند. تزئینات کاشی های نره در پشت بغل های طاق های طبقه دوم به کار رفته است. این تزیین نیز بطور کامل، تنها در طاق نماهای جوانب شمال غربی، شمال و شمال شرقی مشاهده می شود و در جوانب شرق، جنوب شرقی، جنوب و جنوب غرب، تماماً از میان رفته و یا تنها اندکی از نوار کاشی کاری معرق دور قوس طاق ها، باقی مانده است. تنها در طاق نماهای جوانب شمال غربی، شمال و شمال شرقی مشاهده می شود و در جوانب شرق، جنوب شرق جنوب و جنوب غرب، تماماً از میان رفته و یا تنها اندکی از نوار کاشیکاری معرق دور قوس طاق ها، باقی مانده است.

د) تزئینات کاشی کاری مناره ها: امروزه با توجه به اندک تزئینات باقی مانده در مناره های جوانب شمالی و شمال شرقی برمی آید که هشت منار گنبد سلطانیه در روزگار آبادانی در قسمت بدنه با کاشی های نره، فیروزه ای و لاجوردی و کاشی های معرق مشابه تزئینات مقرنس قرنیز ساختمان، آراسته شده بوده اند. کاشی نره را می توان در منار جانب شمالی و تزئینات معرق را در مقرنس منار جانب شمال شرقی مشاهده کرد.

ه) تزئینات کاشیکاری گنبد ساختمان سلطانیه: تمام سطوح بیرونی گنبد با کاشی نره فیروزه ای رنگ به شکل مستطیل پوشش یافته و ساقه گنبد با کتیبه های معقلی با نام های مقدس «الله»، «محمد»، «علی»، نگارش و مزین



و گرداگرد گنبد تکرار شده است. این ردیف کتیبه توسط نوارهای لاجوردی در پایین و فیروزه ای در بالا محصور شده است. علاوه بر این تزئینات، دو ردیف کاشی فیروزه ای و لاجوردی که تشکیل ترنج های بسیار زیبایی را داده مشاهده می شود، در میان این ترنج ها عبارات «البقا» با کاشی های نره فیروزه ای نوشته شده است و از آنجایی که قرینه حروف نوار کتیبه زیرین، به داخل ترنج ها رفته موجب شده که طرح لوزی مربع کاملی ایجاد شود و تا حدودی موجب پیچیدگی کتیبه داخل ترنج ها شود.

2-5-2 کاشیکاری قسمت داخلی گنبد سلطانیه

به دلیل گستردگی تزئینات کاشیکاری قسمت داخلی ساختمان، هر یک از طبقات اعم از همکف و طبقه اول به صورت مجزا شرح داده شده و برای اینکه کار از یک نظم منطقی برخوردار باشد، شرح هر یک از ایوان ها از ایوان ورودی (جنوب غربی) آغاز و مابقی به ترتیب گردش در جهت عقربه های ساعت آورده شده است.

5-2-1-1 ایوان های طبقه همکف (ایوان جنوب غربی، ورودی کنونی)

تزئینات کاشیکاری ایوان جنوب غربی به لحاظ تکنیک اجرا به سه دسته قابل تقسیم است: معرق، لعاب پران، معقلی، گره کشی (در ترکیب آجر، کاشی، تزئینات قالبی گچی) و کاشی های بزرگ شش گوش فیروزه ای. دسته اول و دوم؛ مشتمل بر نوار های تزئینی، شامل کاشی هایی به شکل؛ شمسه پنج پر و شش ضلعی در رنگ های فیروزه ای و لاجوردی. دسته سوم؛ مشتمل بر دیوارهای جوانب ایوان در طرح هندسی مداخل، دسته چهارم حد فاصل ایوان جنوب غربی و غرب، در جرز جانب راست ایوان غربی نوار گره کشی در ترکیب کاشی فیروزه ای و لاجوردی با آجر بدون لعاب و تزئینات گچی قالبی مشاهده می شود. که حاوی بخشی از آیه یک سوره مؤمنان است. دسته پنجم؛ مشتمل بر دیوارهای جوانب ایوان و مربوط به دوره دوم تزئینات، که روی تزئینات معقلی دوره اول را می پوشانده است.

5-2-2-2 ایوان غربی

تزئینات کاشیکاری که امروزه در ایوان غربی مشاهده می شود ترکیبی از کاشی با آجر و سفال نقشین است که از کف ازاره تا زیر کتیبه گچبری که مربوط به دوره دوم تزئینات است امتداد دارد و شامل کاشی هایی چون شمسه هشت پر، ترقه، شش تند و شمسه پنج پر می شود.

5-2-3-3 ایوان شمالی

تزئینات این ایوان به لحاظ تکنیک اجرا به سه دسته قابل تقسیم است: معرق، لعاب پران، ترکیب آجر با کاشی و سفال نقشین، دسته اول مشتمل بر نوار تزئینی دور طاق نمای ورودی، شامل کاشی هایی به شکل شمسه ی پنج پر، پنج کند و ترنج، نوار تزئینی دور پشت بغل طاق ایوان، دیوار جانب غربی طاق نمای ورودی در ترکیب آجر با کاشی فیروزه ای و سفال نقشین، نوار تزئینی دیوار های جانب غربی و شرقی و نیم ستون های جوانب ایوان، در طرح اسلیمی، دسته دوم مشتمل بر نوار تزئینی دور پشت بغل طاق ایوان، که طرح سه پری را، در کاشی شش ضلعی درآورده اند و شمسه ی مرکزی دیوار جانب غربی، در طرح اسلیمی. دسته سوم مشتمل بر دیوارهای جوانب غربی و



شرقی ایوان و نوار تزئینی جز ما بین ایوان شمالی و شمال شرقی در ترکیب آجر با کاشی و سفال نقشین. در نوار تزئینی مذکور، کتیبه ای به خط کوفی معرق درج شده که حاوی آیت الکرسی است. (شکل 7)



شکل 7- کاشی لعاب پران، دیوار ایوان شمال شرقی گنبد سلطانیه (شکری، 1394)

5-2-4- ایوان جنوبی (ورودی تربت خانه)

تزئینات کاشی کاری ایوان جنوبی بر اساس تکنیک اجرا به سه دسته قابل تقسیم است: معرق، لعاب پران و ترکیب آجر با کاشی و سفال نقشی. (شکل 8) دسته اول مشتمل بر نوار تزئینی ما بین دیوارهای ایوان، نوار تزئینی جناحین طاق نمای ورودی تربت خانه، شامل کاشی هایی به شکل پنج کند، ترنج، شمشه ی ده پر، حاشیه تزئینی دیوار های جوانب طاق نمای ورودی تربت خانه با طرح اسلیمی و ازاره های جناحین ورودی تربت خانه در ترکیب آجر با کاشی و سفال نقشیندسته دوم مشتمل بر نوار تزئینی جناحین طاق نمای ورودی تربت خانه، که کاشی شمشه ی ده پر را در می- گیرد. (شکری، 1394، 86-95)



شکل 8- کاشی معرق و لعاب پران، نوار تزئینی ایوان جنوبی گنبد سلطانیه (شکری، 1394)



نتیجه گیری

- به طور کلی در تزئینات کاشیکاری این دو بنا شباهتهایی اعم از کاشی معرق، کاشی لاجوردی تک رنگ و نقوش هندسی و اسلیمی یافت شده است، که در این مقاله به طور خلاصه و کلی توضیح داده شده است.

- در بنای گنبد سلطانیه از رنگ های فیروزه ای، لاجوردی و سفید استفاده شده است. اما در تزئینات مزبور رنگ های فیروزه ای و لاجوردی نسبت به رنگ سفید محسوس ترند. کمترین استفاده از رنگ سفید را می توان در تزئینات کاشی کاری نیم ستون ها و برنزی تحتانی تربت خانه گنبد سلطانیه که دارای طرح اسلیمی هستند مشاهده نمود. در هر صورت با توجه به بقایای کاشی کاری، رنگ سفید بیشتر در طرح های اسلیمی مشاهده می شود تا طرح های هندسی ولی از رنگهای فیروزه ای، لاجوردی و سفید در مسجد کبود تبریز در اسلیمی های کاشیکاری به نسبت گنبد سلطانیه بیشتر مشاهده شده است.

- نقوش هندسی کاشیکاری در گنبد سلطانیه بیشتر از نقوش هندسی کاشیکاری در مسجد کبود تبریز است، البته نقوش هندسی کاشیکاری در مسجد کبود تبریز جالبترین و چشمگیرترین شناخته شده است به دلیل استفاده از رنگ طلایی با نقوش و طرحهای اسلیمی- ختایی روی نقوش هندسی کاشی فیروزه ای این مسجد است که مورد اهمیت فراوان قرار گرفته است.

- در نهایت با توجه به تکنیک های کاشی کاری این بنا می توان مشابهت هایی را در تزئینات این بنا با بنای مسجد کبود تبریز مشاهده نمود. احتمالاً برخی از تکنیک ها برای اولین بار در این بنا ظهور کردند و پس از آن در بنای مسجد کبود تبریز به کار گرفته شده اند مانند ترکیب کاشی تراش و سفال نقشین که نمونه مشابه آن را در صورتهای مختلف می توان در بنای مسجد کبود تبریز مشاهده نمود. همچنین برخی دیگر از تکنیک های کاشی کاری پیش از بروز گنبد سلطانیه در بنای مسجد کبود تبریز به کار گرفته شدند، مانند: گره سازی با ترکیب آجر و کاشی است.



منابع و مأخذ

- [1] شهیدی، صمد. پایان نامه کارشناسی ارشد، جستجوی مفهوم توده- فضا در معماری گوی مسجد کبود تبریز، دانشگاه هنر اصفهان، 1390
- [2] ویلبر، دونالد و لیزا گلمیک. معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، 1374
- [3] بلر، شیلا و جانانان ام بوم. هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشرافی، انتشارات سروش، تهران، 1385
- [4] گذار، آندره. هنر ایران، دانشگاه ملی ایران، تهران، 1341
- [5] آملی، شمس الدین محمد بن محمود، نفایس الفنون. مقدمه و تصحیح: ابولحسن شعرانی، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، تهران، 1381
- [6] ویلبر، دونالد نیوتن. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه: عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1365
- [7] ثبوتی، هوشنگ. معماری سلطانیه در گذرگاه تاریخ، انتشارات پارینه، تهران، 1380
- [8] حمزه لو، منوچهر. سلطانیه؛ هنرهای کاربردی در سلطانیه، انتشارات ماکان، تهران، 1381
- [9] مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر احمد، تاریخ گزیده، تحقیق: عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1362
- [10] میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی. روضه الصفا، تهذیب و تخلص عباس زریاب، انتشارات علمی، تهران، 1385
- [11] Pickett, D. Early Persian tilework; The medieval flowering of kashi. London: Fairleigh Dickinson university press, 1997
- [12] اصغریان جدی، احمد. کلیاتی درباره معماری گنبد سلطانیه، مجله فرهنگ معماری ایران، ش 3 و 2، 1355
- [13] شرآتو، امبرتو و ارنست گروبه. تاریخ هنر ایران هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولی، تهران، 1376
- [14] بلر، شیلا. معماری ایلخانی در نطنز، ترجمه ولی الله کاووسی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، 1387
- [15] عباسیان، میرمحمد، تاریخ سفال و کاشی در ایران، انتشارات گوتنبرگ، تهران، 1370
- [16] پوپ، آرتور. معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر اختران، تهران، 1388
- [17] رضایی، علی. جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، انتشارات ثقلین، 1382
- [18] شکری، پوریا. پایان نامه کارشناسی ارشد، گونه شناسی و طبقه بندی کاشی های دوره ایلخانی تا حمله تیمور بر اساس فرم و لعاب، دانشگاه هنر اصفهان، 1394